

دوازده) اطلاق مقامی به ضمیمه غلبه استعمال:

منتقی الاصول بعد از تقسیم جملات شرطیه به صورت هایی که در آنها قرینه بر وجود و یا عدم مفهوم وجود دارد، به جملات شرطیه که از قرینه های لفظی تهی باشد اشاره کرده و می نویسد: اگر متکلم در مقام افاده آن باشد که بگوید چه چیزهایی برای «وجوب اکرام زید» شرط است و فقط به «مجیء زید» اشاره کند، اطلاق مقامی اقتضا می کند که تنها شرط برای «وجوب اکرام زید»، «مجیء زید» باشد. (در این صورت چون متکلم در مقام بیان تمام مراد خود درباره اکرام زید بوده است، پس به همه مراد خود تکلم کرده است). ایشان در ادامه می نویسد:

«وهذا الوجه قریب إلى نظر العرف، وحينئذ يقال: انه حيث كان الغالب في الاستعمالات العرفية استعمال القضية الشرطية في هذا المقام، ففي مورد يشك فيه يلحق بالغالب فان الغلبة بحد تكون من الأمارات العرفية الموجبة لظهور الكلام في ذلك. ولو لا هذا الوجه لما كان للمفهوم وجه يرتكن عليه، وإنكاره يستلزم تأسيس فقه جديد. فالتفت.

وبالجملة: فلا طريق إلى إثبات المفهوم سوى الإطلاق المقامی»^۱

توضیح:

چون معمولاً در عرف جملات شرطیه دارای اطلاق مقامی است و لذا دارای مفهوم است، پس اگر در جایی هم شک کردیم که اطلاق مقامی موجود است، می توانیم به مفهوم قائل شویم. ما می گوئیم:

۱. برخی از شاگردان ایشان بر استاد خویش اشکال کرده اند که:

«و ما افاده یبتنی علی نقطتین احدهما ثبوت الغلبه و الاخری کون الغلبه موجباً للظهور العرفی و کلتا النقطتین غیر خالیتین عن الاشکال. و ما ینبطو کلامه علی اثباتهما بل ما ذکره مجرد دعوی»^۲

۲. به نظر می رسد کلام مستشکل محترم، کامل است، چرا که تمام استدلال در این مبنا بر آن استوار است که اگر جایی نتوانستیم احراز کنیم اطلاق مقامی را به سبب غلبه و ظهور ناشی از غلبه، می توان به مفهوم قائل شد. و روشن است که وجود مفهوم در جملات شرطیه یا غالبی نیست و یا از آن اندازه از غلبه برخوردار نیست که موجب ظهور شود. چرا که چنانکه خواندیم برخی از بزرگان ادعا کرده اند که تنها در قرآن کریم، بیش از ۱۰۰ مورد، جمله شرطیه استعمال شده است در حالیکه دارای مفهوم نیست.

۱. منتقی الاصول، ج ۳، ص ۲۳۷

۲. مباحث الاصول (عبدالصاحب حکیم)، ج ۳، ص ۱۹۹



۳. البته اگر در جایی اطلاق مقامی از هر راهی احراز شد، طبیعی است که به عنوان قرینه خاص، می توان در همان مورد قائل به مفهوم شد.

۴. توجه شود که اگر مفهوم از مسیر اطلاق لفظی ثابت شده باشد، در این صورت چون قاعده‌ای در میان اصولیون مطرح است که اصل را در کلام شارع، به این می‌دانند که در مقام بیان است ولی چنین قاعده‌ای در مورد اطلاق مقامی در دست نیست و نمی‌توان گفت اصل اولیه در کلام شارع اطلاق مقامی است.

